

فصل‌نامه علمی - پژوهشی پژوهش‌نامه‌ی تاریخ اسلام  
سال چهارم، شماره سیزدهم، بهار ۱۳۹۳  
صفحات ۵۵ - ۷۰

## بررسی و نقد مصداق اهل بیت در صحاح سته<sup>۱</sup>

حمیدرضا شجاعی‌فرد<sup>۲</sup>

### چکیده

باتوجه به فضایل بی‌نظیر اهل بیت در قرآن و روایات و وصیت رسول خدا (ص) به امت درباره اهل بیتش (حدیث ثقلین)، تعیین و شناخت مصداق این اصطلاح، مقدمه نجات امت از گمراهی‌هاست. تعیین این مصداق در صحاح سته که از وثوق قطعی نزد فرقه‌های اهل سنت برخوردار است، باتوجه به خود روایات صحاح و بررسی عقلی آنها، برای شناخت حقیقت دور از تعصب سودمند و تأثیرگذار است. این نوشتار به بررسی این اصطلاح در چهار صحیح از صحاح سته می‌پردازد که در این باره احادیثی نقل کرده‌اند. دیدگاه صاحبان صحاح سه بخش تقسیم می‌پذیرد: ۱. پنج تن آل عبا مصداق اهل بیتند؛ ۲. همسران پیامبر مصداق اهل بیتند؛ ۳. منسوبان پیامبر (همسر و خویشاوندانش) اهل بیت ایشاند. پس از بررسی این فرض‌ها، با کمک *المیزان فی تفسیر القرآن*، مشخص شده است که با استناد به متن قرآن و روایات و دلیل عقلی، می‌توان ثابت کرد که اهل بیت در صحاح پنج تن آل عبا<sup>۳</sup>ند.

### کلیدواژگان

اهل بیت، صحاح سته، آیه تطهیر، حدیث ثقلین.

۱. تاریخ دریافت: ۹۲/۶/۲۹ تاریخ پذیرش: ۹۲/۱۱/۱۴

۲. کارشناس ارشد دانشگاه ادیان و مذاهب، گروه مطالعات تاریخ تشیع، قم، ایران.  
abdolah\_fatemi@yahoo.com

## طرح مسئله

اصطلاح اهل‌بیت در متون اسلامی ارزش و قداست ویژه‌ای دارد؛ به‌ویژه در آیه تطهیر و حدیث ثقلین، فضیلت و اهمیت یگانه آنان روشن است، اما پیروان فرق اسلامی برای تعیین مصداق آن با یک‌دیگر اختلاف کرده‌اند. صحاح سته از کتب روایی اهل‌سنت، نزد همه فرق آنان معتمد است و صحیح‌ترین کتاب پس از قرآن، به شمار می‌رود. از این‌رو، اثبات ادعایی اختلافی با استفاده از روایات صحاح (بدون استفاده از کتبی که صحت روایات یا مشرب فکری یا مذهب نویسندگان آنها از دید اهل‌سنت تردیدپذیر است)، اهمیت ویژه‌ای دارد. بیشتر باورهای بنیادی شیعه را با استفاده از این شش کتاب می‌توان اثبات کرد. این نوشتار همه روایات را در این‌باره از صحاح سته بررسی کرده و تحلیل کرده؛ سپس دیدگاه صاحبان صحاح را با استفاده از دیگر روایات صحاح و تطبیق آنها، ارزیابی کرده و نقد و تحلیلیش را درباره آیه تطهیر، از علامه طباطبایی در *المیزان* وام کرده است.

## بررسی مصادیق اهل‌بیت در صحاح سته

محدثان اهل‌سنت صحیح را حدیثی می‌دانند که راویان عادل و ضابط متصل و فاقد شذوذ و علت، در سند آن باشند (نصیری، ۱۳۸۳: ۱۸۰). بنابراین، به کتابی که همه روایات آن را صحیح بدانند، «صحیح» می‌گویند. البته تعریف شیعه درباره حدیث صحیح، با تعریف آنان متفاوت است. این نوشتار به بررسی صحاح اهل‌سنت می‌پردازد و از دیدگاه شیعه در این‌باره می‌پرهیزد (برای آگاهی بیشتر ر.ک: همان، ۱۷۹).

بخاری، مسلم، ابی‌داوود و ترمذی از نویسندگان صحاح سته، به اصطلاح اهل‌بیت و مصداق آن اشاره کرده‌اند. از این‌رو، همین چهار صحیح در این‌باره بررسی شده‌اند. البته نسائی و ابن‌ماجه نیز روایاتی را در زمینه فضایل اهل‌بیت عصمت (ع) آورده‌اند که بر اثر بی‌ارتباط بودنشان با این بحث، آنها نقل نشده‌اند.

## الف) دیدگاه بخاری: همسران پیامبر

بخاری در *تُه* جلد صحیح خود، شش روایت از هشت طریق نقل کرده است که

مصدق واژه اهل بیت را در بردارند. همه آنها، زنان پیامبر (ص) را آل محمد(ص) یا اهل بیت خوانده‌اند. روایاتی بدین مضمون در این باره نقل شده است:

۱. همسران پیامبر (ص) از ابوبکر ارث آن حضرت را خواستند و عایشه با بیان حدیث جعلی «ما ارثی نمی‌گذاریم، آنچه باقی می‌گذاریم صدقه است» آنان را باز گرداند؛ سپس برای قانع کردن آنان گفت: «آل محمد(ص) از اموال او می‌خورند» (بخاری، ۵/ ۱۱۵؛ ۶/ ۱۴۹؛ ۷/ ۸۷، ۱۰۲ و ۱۳۹؛ ۸/ ۱۲۱-۱۲۲)؛ یعنی به آنان ماهانه پرداخت می‌شود و به طلب ارث نیازی نیست. به قرینه ماجرای منقول در روایت، بی‌گمان مقصود عایشه از آل محمد (ص)، همسران آن حضرت است.

۲. انس بن مالک روایت می‌کند که رسول خدا (ص) به حجره عایشه رفت و فرمود: «سلام و رحمت خدا بر شما ای اهل بیت»؛ سپس به حجره هر یک از زنانش رفت و به آنان نیز همین جمله را فرمود (همان، ۶/ ۱۴۹).

۳. از ابوهریره نقل می‌کند که آل محمد (ص) از یک غذا سه روز، سیر نشدند (همان، ۷/ ۸۷).

۴. از عایشه نقل می‌کند که آل محمد (ص) از نان خوب سه روز سیر نشدند (همان، ۱۰۲).

به قرینه روایات قبل یا بعد از این دو روایت، به خوبی می‌توان دریافت که مقصود راوی از «آل محمد (ص)»، همسران آن حضرت بوده است.

۵. عایشه در ماجرای، همسران پیامبر (ص) را اهل بیت می‌خواند (همان، ۱۳۹).

۶. یک روایت با سه سلسله سند، از زنان پیامبر (ص) با عنوان آل محمد (ص) یاد می‌کند که راوی دو حدیث عایشه و یکی از آنها، ابوهریره است (همان، ۸/ ۱۲۱-۱۲۲).

### ب) دیدگاه مسلم

مسلم در شش روایت از پانزده طریق، مصدق گوناگونی را برای واژه «اهل بیت» آورده که حتی برخی از آنها با برخی دیگر از آنها متعارضند. چکیده‌ای از این احادیث بدین شرح گزارش می‌شود:

### همسران پیامبر

۱. بنا بر یک روایت از سه طریق با مضمون‌های مشابه، عایشه به اُسود جمله‌ای می‌گوید که در آن همسران رسول خدا (ص)، اهل بیت خوانده شده‌اند (مسلم، ۱۹۷۲: ۳/۱۵۷۸، ۴/۲۲۸۱).

۲. بنا بر روایتی از دو طریق، ابوهریره از رسول خدا (ص) نقل می‌کند که آن حضرت فرمود: «خدایا! روزی آل محمد (ص) را به اندازه کفاف قرار بده!» (همان، ۴/۲۲۸۱). مقصود این روایت به قرینه روایات قبل و بعد آن، همسران آن حضرت است. ۳. بنا بر روایتی دیگر از شش طریق، عایشه عنوان آل محمد (ص) را درباره همسران آن حضرت به کار می‌برد (همان، ۲۲۸۱-۲۲۸۲).

مسلم چند مصداق را برای اهل بیت می‌آورد. این روایت محتوای مهمی دارد و از این رو، چکیده‌ای از آن گزارش می‌شود:

حَصین بن سَبْرَة به زید بن ارقم گفت: ای زید! تو با دیدن رسول خدا (ص) و شنیدن حدیث از او ... به خیر زیادی نائل آمدی از آنچه از آن حضرت شنیدی برای ما حدیث کن ... زید گفت: رسول خدا (ص) میان مکه و مدینه کنار آبی به نام «خُم» برخاست و خطبه‌ای خواند و در آن حمد و ثنای خدا را بر زبان آورد؛ سپس فرمود: من دو چیز گران بها نزد شما می‌گذارم: اول آن دو کتاب خداست ... و اهل بیتم. خدا را درباره اهل بیتم به یاد شما می‌آورم. خدا را درباره اهل بیتم به یاد شما می‌آورم. خدا را درباره اهل بیتم به یاد شما می‌آورم. حصین به او گفت: اهل بیت او چه کسانی‌اند ای زید؟ آیا زنان او از اهل بیت او نیستند؟ گفت: زنان او از اهل بیت اویند، اما اهل بیت او (در این سفارش و تأکید)، کسانی‌اند که صدقه بر آنان بعد از آن حضرت حرام است. گفت: آنان کیانند؟ گفت: آنان آل علی و آل عقیل و آل جعفر و آل عباسند. گفت: آیا صدقه بر همه اینان حرام است؟ گفت: آری (همان، ۴/۱۸۷۳).

مسلم بی‌درنگ همین روایت را با سلسله سند دیگری نقل کرده‌است که بخش دوم آن با روایت پیشین ناسازگار می‌نماید؛ زید بن ارقم در پاسخ این اینکه آیا زن‌های پیامبر (ص) اهل بیت اویند، چنین می‌گوید:

«به خدا قسم نه (زن‌های پیامبر (ص) اهل بیت او نیستند. (او چنین استدلال می‌کند):

زن مدتی با مرد زندگی می‌کند، سپس مرد او را طلاق می‌دهد و به پدر و قوم خود می‌پیوندد. اهل بیت او اصل و وابستگان اویند. کسانی که بعد از او صدقه بر آنان حرام است» (همان).

اهل سنت همه روایات صحاح سته، به‌ویژه روایات صحیحین را بدون اشکال می‌دانند؛ پس با مقایسه این دو روایت با یکدیگر باید اعتراف کرد که دست‌کم یکی از آن دو، نادرست و دیگری صحیح است؛ زیرا روایت دومی، روایت نخست را نقض می‌کند.

بی‌گمان، روایت دوم صحیح است؛ زیرا به استناد روایات صحیحین که پایان فصل سوم خواهد آمد، صدقه بر زنان پیامبر حلال و بر آل محمد (ص) حرام است.

### پنج تن آل عبا

۱. عایشه می‌گوید:

صبح‌گاهی پیامبر (ص) خارج شد (نمی‌گوید کجا رفت و از روایت ترمذی بر می‌آید که به خانه ام‌سلمه رفت) در حالی که عبای سیاهی بر دوش داشت. حسن بن علی آمد، او را داخل (عبا) کرد؛ سپس حسین آمد، او را داخل کرد. آن‌گاه فاطمه آمد، او را هم داخل کرد. بعد از آن علی آمد، او را نیز داخل کرد. آن‌گاه فرمود: «همانا خداوند اراده کرده است پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و شما را پاکیزه گرداند، پاکیزه کردنی» (احزاب، ۳۳؛ مسلم، ۱۹۷۲م: ۴/۱۸۸۳).

۲. مسلم هم‌چنین روایت دیگری را در این زمینه درباره فضیلت علی (ع) نقل می‌کند:

معاویه به سعد بن مالک (ابی‌وقاص) گفت: چرا ابوتراب را ناسزا نمی‌گویی؟ (پس از گذشت چند سال کار امت بدانجا رسید که دشنام ندادن به برادر نبی، جرمی شد نکوهیدنی شد) گفت: به خاطر سه مطلب که از رسول خدا (ص) شنیدم که اگر یکی از آن سه برایم بود، از هر چیز برایم باارزش‌تر بود. (او پس از نقل دو روایت از رسول خدا (ص)، در فضیلت حضرت علی (ع)، فضیلت سوم را چنین شرح می‌دهد:) چون این آیه نازل شد: «بگو

باید ما پسرانمان را بخوانیم و شما پسرانمان را...» (مائده، ۶۱)، رسول خدا (ص) علی و فاطمه و حسن و حسین (ع) را فراخواند و گفت: خدایا اینان اهل منند (مسلم، ۱۹۷۲م: ۴/ ۱۸۷۱).

### ج) دیدگاه ابی داوود

ابی داوود تنها یک روایت درباره فضایل حضرت زهرا (س) آورده که به واژه اهل بیت اشاره کرده است. چکیده این روایت چنین گزارش می‌شود:

فاطمه همیشه آخرین کسی بود که پیامبر (ص) هنگام بیرون رفتن از مدینه به خانه‌اش می‌رفت و اولین کسی بود که آن حضرت پس از بازگشت از جنگ، به دیدارش می‌شتافت. رسول خدا (ص) از یکی از جنگ‌ها برگشت. حضرت زهرا [س] پرده‌ای بر سردر منزل آویزان کرده بود و دو گردن‌بند زینتی از نقره بر گردن حسنین [ع] آویخته بود. پیامبر (ص) بر در خانه آمد، اما داخل نشد. حضرت زهرا [س] گمان کردند علت عدم دخول آن حضرت پرده و گردن‌بند است. به همین علت پرده را برداشتند، گردن‌بندها را باز کردند و آنها را به حسنین [ع] دادند. آن دو پیش رسول خدا (ص) رفتند. حضرت به ثویان (غلام خود) فرمودند: اینها را به فلان خانواده بده (زیرا) اینان اهل بیت منند و من خوش ندارم که لذت‌هایشان را در دنیا به کار گیرند... (ابوداوود، ۴/ ۸۷).

چنان‌که از ظاهر روایت به دست می‌آید، راوی در مقام تعریف اهل بیت نیست و از این رو، نمی‌توان گفت از دیدگاه مؤلف یا حتی از دیدگاه راوی، اهل بیت تنها فاطمه و حسنین (ع) اند، بلکه تنها می‌توان گفت این سه وجود گران‌مایه، از اهل بیتند نه اینکه اهل بیت، آنها باشند. شاید بتوان گفت پیامبر به خانه دخترشان اشاره کردند و علی (ع) از افراد آن خانه است و این روایت او را مصداق اهل بیت می‌داند.

### د) دیدگاه ترمذی

ترمذی از ارباب صحاح، واضح‌ترین روایات را در زمینه مصداق اهل بیت آورده است که چکیده از آنها گزارش می‌شود:

## انحصار اهل بیت در پنج تن آل عبا

۱. زمانی که آیه تطهیر در خانه ام سلمه نازل شد، رسول خدا (ص) فاطمه و حسن و حسین و علی [ع] را در عبایی پوشاند [و] فرمود: خدایا اینان اهل بیت منند؛ پس پلیدی را از آنان دور کن و آنها را پاکیزه گردان. ام سلمه گفت آیا من نیز با ایشانم؟ حضرت فرمود: تو بر جای خود باشد و تو بر خیری (ترمذی، ۵/ ۳۲۸).

ترمذی در جای دیگری، بدون اشاره به نزول آیه تطهیر، همین مضمون را نقل می‌کند و آن را از آنچه در این باب ذکر شد، احسن می‌داند (همان، ۵، ۶۲۱ و ۶۵۶-۶۵۷). به هر روی، این روایت به خوبی ثابت می‌کند که «اهل بیت» در آن پنج وجود مقدس منحصر است و همسران پیامبر (ص) را در بر نمی‌گیرد؛ زیرا هنگامی که ام سلمه پرسید: «آیا من نیز با ایشانم؟»، حضرت به ایشان منفی پاسخ دادند و گفتند به تلویح گفتند هیچ کس شایستگی ندارد که در فضیلت تطهیر و بلکه دیگر فضایل، با آنان شریک شود.

## تعریف اهل بیت

۱. زمانی که خداوند آیه مباحه را نازل فرمود، رسول خدا (ص) علی و فاطمه و حسن و حسین [ع] را فراخواندند و فرمودند: خداوندا! اینان اهل منند (همان، ۵، ۲۱۰ و ۵۹۶).

۲. رسول خدا (ص) تا شش ماه هنگامی که برای نماز صبح از خانه خارج می‌شد، از در خانه فاطمه [س] می‌گذشت و می‌فرمود: نماز ای اهل بیت! «همانا خداوند فقط می‌خواهد پلیدی و گناه را از شما اهل بیت دور کند و کاملاً شما را پاک سازد» (احزاب، ۳۳؛ ترمذی، همان، ۵/ ۳۲۸).

این دو روایت به خوبی بر این دلالت می‌کند که حضرت رسول (ص) در هر زمینه‌ای، «اهل بیت» خود را به مردم می‌شناساند. هنگام نزول آیه مباحه، با اینکه خداوند لفظ اهل بیت را به کار نبرد، اما از این روی که به فرمان خداوند مباحه می‌بایست با آن پنج وجود مقدس صورت می‌پذیرفت، زمینه‌ای فراهم آمد تا آن حضرت بار دیگر اهل بیت خود را به مردم بشناساند.

بنابر روایت دوم، اینکه رسول خدا (ص) آیه تطهیر برای اهل خانه فاطمه (س) خواند و به‌ویژه تکرار هر روز این عمل تا شش ماه، بر اهمیت این تعیین مصداق دلالت می‌کند؛ کاری که حضرت حتی یکبار درباره همسرانش بدان دست نزد. گمان می‌رود رسول خدا (ص) در آن زمان بلند، هر روز اهل بیت را خود را به مردم شناسانده باشد تا هر گاه لفظ اهل بیت به گوش مردم برسد، آن پنج وجود مقدس در ذهن آنان بنشینند و بعدها مجالی برای جاعلان حدیث نماند تا این اصطلاح را درباره دیگری به کار برند.

### اهلبیت و حدیث ثقلین

۱. زید بن ارقم می‌گوید: رسول خدا (ص) فرمود: همانا من در میان شما چیزی باقی می‌گذارم که اگر به آن چنگ بزنید، بعد از من تا ابد گمراه نمی‌شوید. یکی از آن دو از دیگری بزرگ‌تر است: [اول] کتاب خدا؛ ریسمانی که از آن به زمین کشیده شده و [دوم] عترتم، اهل بیتم و هرگز این دو از هم جدا نمی‌شوند تا در حوض (کوثر) بر من وارد شوند. پس بنگرید که با آن دو بعد از من چه خواهید کرد (همان، ۵ / ۶۲۱).

۲. جابر بن عبدالله می‌گوید: از رسول خدا (ص) در ایام حج، روز عرفه (که همه حجاج در آن روز در عرفاتند)، در حالی که بر ناقه‌اش - قصواء - (نام شتر آن حضرت) نشسته بود و (برای مردم) خطبه می‌خواند، شنیدم که می‌فرمود: ای مردم! همانا من چیزی در میان شما باقی گذاشتم که اگر آن را بگیرید تا ابد گمراه نمی‌شوید: کتاب خدا و عترتم، اهل بیتم (همان، ۵ / ۶۲۲).

این دو روایت به مصداق اهل بیت اشاره نکرده‌اند، اما به دلایل زیر به مصداق راهنمایی می‌کنند:

۱. رسول خدا (ص) در مقام سفارش و وصیت به امت خودشانند، اما توضیحی درباره مصداق واژه «اهل بیت» به مردم عرضه نکرده‌اند و کسی از مردم از پیامبر پرسیده است که مصداق اهل بیت او چه کسانی‌اند. پس (برکنار از کیسی مصداق اهل بیت) مصداق آن نزد مردم آن زمان شناخته بوده است.

۲. این همه سفارش و تأکید درباره کسانی است که خداوند آنان را از پلیدی‌ها



زدوده است. آنان باید از هر خطا و لغزشی مصون باشند؛ زیرا رسول خدا (ص) آنان را هم‌سنگ قرآن دانست و فرمود: این دو از یک‌دیگر جدا نیستند. بنابراین، چنان‌که قرآن از هر خطائی مصون است، اهل‌بیت نیز باید کسانی مصون و محفوظ از لغزش باشند و این همان معنای عصمت است که خدای - تبارک و تعالی - در آیه تطهیر به آنان عطا کرده است.

۳. تنها پنج تن آل عبا از مصادیق اهل‌بیتی یاد شده در صحاحند که از هر خطایی برکنارند؛ زیرا آیات فراوانی از قرآن به معصوم نبودن همسران پیامبر اشاره کرده‌اند: ۳-۱. آیه ۲۸ سوره احزاب: «به همسرانت بگو اگر زندگی دنیا و زینت‌های آن را می‌خواهید، بیایید تا مالی که از آن بهره برید به شما بدهم و شما را طلاق گویم طلاق‌ی نیکو».

۳-۲. آیه ۲۹ سوره احزاب که خداوند در آن همسران رسول خدا را به نیکوکار و نانیکوکار تقسیم کرده است.

۳-۳. آیه ۳۰ و ۳۱ سوره احزاب که خداوند در آن به همسران می‌گوید گناه آشکار شما عذابش دو چندان است و اعمال صالح شما نیز پاداش دو برابر دارد. دو آیه اخیر بر این دلالت می‌کند که خطا در کار همسران پیامبر (ص) نه تنها محتمل بود که گناه بزرگ و آشکارا در رفتار آنان دیده شد.

۳-۴. آیات نخستین سوره تحریم به‌ویژه آیه چهارم این سوره که به گناه دو تن از همسران پیامبر و لزوم توبه آنان اشاره می‌کنند.

### نقد نظریه صحاح سته

علامه طباطبایی (ره) در تفسیر آیه تطهیر بحث کمابیش جامعی درباره مصداق اهل‌بیت آورده است که جامعیتش محقق را از مراجعه به دیگر تفاسیر بی‌نیاز می‌کند. چکیده‌ای از این بحث در قالب بخش‌های زیر در پاسخی دیدگاه‌های مخالف در این‌باره عرضه می‌شود:

«کلمه انما انحصار خدا را می‌رساند در دو چیز: یکی انحصار اراده خدا در دور کردن پلیدی از اهل‌بیت و دوم انحصار این عصمت فقط در اهل‌بیت».

علامه (ره) پس از بیان این نکته بلاغی، به نقل اقوال گوناگون در زمینه

مصدق اهل بیت می پردازد و همه دیدگاه را (جز دیدگاه درست) با دلیل رد می کند و به این شیوه، دیدگاه درست را ثابت می کند؛ یعنی برای رسیدن به مطلوب از برهان خلف بهره می گیرد:

به طور مسلم فقط زنان آن جناب اهل بیت او نیستند؛ زیرا هیچ گاه صحیح نیست که ضمیر مردان را به زنان ارجاع داد:

۱. یا باید گفت مخاطب آیه همسران پیامبر (ص) و دیگران هستند. همچنان که برخی گفته اند:

مراد اهل «بیت الحرام» هستند؛

مراد اهل مسجد رسول خدا (ص) هستند؛

مراد همه آن کسانی که در عرف جزو خاندان آن جناب به شمار می روند؛ چه همسرانش و چه خویشاوندان و نزدیکانش؛ یعنی آل عباس و آل عقیل و آل جعفر و آل علی.

و شاید گفته شود مراد رسول خدا (ص) و همسران آن جناب است.

۲. یا اینکه مخاطب آن طور که بعضی دیگر گفته اند، غیر از همسران آن جناب هستند و خطاب «عنکم = از شما» متوجه اقربای رسول خدا (ص) شامل آل عباس، آل علی، آل عقیل و آل جعفر است.

بنابر هر دو تقدیر اگر مراد از بردن رجس و تطهیر اهل بیت همان تقوای دینی و اجتناب از نواهی و امتثال اوامر باشد (اراده تشریحیه)، آیه شریفه در حد آیه «خداوند نمی خواهد برای شما مشکلی ایجاد کند؛ بلکه می خواهد شما را پاک سازد...» (مائده، ۶) می باشد که این معنا با اختصاص آیه به اهل بیت، منافات دارد؛ زیرا خداوند این گونه تطهیر را برای همه مسلمین می خواهد و اگر مراد از تطهیر تشدید در تکالیف و در برابر آن مزد دو چندان برای این است که می خواهیم تطهیرتان کنیم؛ یعنی خطاب اول مخصوص زنان و خطاب دوم متوجه عموم باشد، این نیز ناصحیح است؛ زیرا معنا ندارد که خداوند بفرماید: اگر به شما همسران رسول خدا (ص) تکالیف دشوارتری کردیم برای این است که خواستیم پلیدی را از همه دور کنیم. حال اگر گفته شود تطهیر در این معنا (اراده تشریحیه) متوجه همسران آن حضرت و خود آن حضرت است، چون تکالیف آن جناب نیز مانند

همسرانش شدید است، در پاسخ گوئیم: نباید همسران آن جناب را با خود آن حضرت مقایسه کرد؛ زیرا ایشان مؤید به داشتن عصمت خدایی است به همین دلیل هیچ یک از مفسرین چنین احتمالی نداده‌اند.

اگر اراده تطهیر در آیه را ارده مطلقه (همان اراده تکوینیه است. یعنی اراده‌ای که بدون قید و شرط تعلق می‌گیرد. برخلاف اراده تشریحیه که در صورت اجرای قید و شرط، اراده تعلق می‌گیرد) بدانیم، در این صورت معنای آیه منافی با آن شرطی است که کراهت همسران پیامبران (ص) مشروط به آن شد و آن عبارت است از «تقوی» (ابتدای آیه ۳۲ احزاب خداوند می‌فرماید: «ای همسران نبی شما همچون یکی از زنان معمولی نیستید اگر تقوا پیشه کنید).

بنابراین، روایاتی که در شأن نزول آیه وارد شده‌اند، تأیید می‌کنند که آیه شریفه درباره رسول خدا (ص) و علی و فاطمه و حسن و حسین (ع) نازل شد و کسی با آنان در این ویژگی شریک نیست. این روایات از هفتاد طریق نقل شده‌اند. اهل سنت کمابیش از چهل طریق و شیعه از بیش از سی طریق، آن را نقل کرده‌اند. اگر گفته شود این روایات همسران رسول خدا (ص) را نیز در برمی‌گیرند؛ زیرا آیه در سیاق خطاب به آنان قرار دارد، پاسخ این است که بسیاری از این روایات تصریح می‌کنند آیه همسران آن حضرت را در بر نمی‌گیرد و اگر کسی بگوید آن روایات را بر اثر مخالفت صریحشان با قرآن باید کنار گذاشت؛ زیرا آیه، دنباله آیاتی آمده است که مخاطب همه آنها همسران رسول خدا (ص)‌یند، پرسش این است که آیه به آن آیات متصل است یا نه؟ این روایات انکار می‌کنند که آیه دنباله آیات درباره همسران رسول خدا (ص) است و حتی یک تن از مفسران چنین نگفته است و حتی یک روایت هم نمی‌گوید که این آیه متصل به آیات درباره همسران پیامبر است. بنابراین، مقصود از «اهل البیت» در عرف قرآن، رسول خدا (ص)، علی و فاطمه و حسنین (ع) خواهد بود و درباره هیچ کس دیگری حتی نزدیکان پیامبر، به کار نمی‌رود.

البته این معنایی است که قرآن کریم لفظ مذکور را تنها در معنای آن به کار برده و گرنه، در عرف عام این کلمه درباره خویشاوندان نیز به کار می‌رود (طباطبایی، ۱۶

علامه شبیه دیگری را نیز در این باره منتفی دانسته است:

ممکن است گفته شود خطاب آیه مخصوص همسران رسول خدا(ص) باشد و ضمیر مذکر در «عنکم» به لفظ اهل برگردد؛ همان گونه که قرطبی در تفسیر خود بیان کرده است (دیدگاه او در بخش دوم از همین فصل آمد). در پاسخ گوئیم: اگر آیه مخصوص همسران رسول خدا (ص) باشد، اراده خداوند در این آیه یا تشریحیه است و یا تکوینیه؟ اگر اراده خداوند تشریحیه باشد و حصر در آیه نیز به اهل بیت مربوط نشود، یکی کلمه «انما»، فقط اراده خداوند را حصر کند، معنای آیه چنین می شود: «... نماز را بر پا دارید و زکات بپردازید و از خدا و رسولش پیروی کنید. همانا فقط اراده خداوند (از چنین فرمانها) این است که هرگونه پلیدی را از شما دور کند و شما را کاملاً پاک گرداند» (احزاب، ۳۲). در این صورت این آیه دیگر فضیلتی برای همسران پیامبر (ص) نخواهد بود، در حالی که علمای اهل سنت روایات مربوط به نزول آیه تطهیر را در باب فضایل اهل بیت آورده اند و این استثنا ندارد؛ یعنی همه کسانی که این روایات را نقل کرده اند، اذعان دارند که این آیه برای اهل بیت فضیلت است. پس مشخص می شود اراده خداوند رد این آیه تکوینیه است. از آنجا که پاسخ فرض تکوینی بودن اراده خداوند درباره همسران رسول خدا (ص) را علامه (ره) بیان فرموده اند، از نقل مجدد آن خودداری می کنیم.

#### تفاوت همسران پیامبر (ص) با اهل بیت

اراده خداوند در آیه تطهیر تکوینیه است و ثابت شد که همسران پیامبر (ص) مخاطب آیه تطهیر نیستند. برای تکمیل بحث، روایاتی از صحاح سته نقل می شود که بر پایه آنها ثابت می شود همسران رسول خدا (ص) اهل بیت نبوده اند:

#### حرمت صدقه بر آل محمد (ص) و حلیت آن بر همسران پیامبر (ص)

بخاری و مسلم در چند روایت بدین نکته اذعان کرده اند که صدقه بر آل محمد (ص) حرام و بر همسران رسول خدا (ص) حلال بوده است:

حسن و حسین (رضی الله عنهما) با خرمایی (که صدقه بود) بازی می‌کردند. یکی از آن دو خرمایی برداشت و در دهانش گذاشت. رسول خدا (ص) نگاهی به او انداختند و خرما را از دهانش خارج کرده، فرمود: آیا نمی‌دانی که آل‌محمد (ص) صدقه نمی‌خورند؟ (همان، ۲ / ۱۵۶). مضمون این روایت با عباراتی متفاوت در صفحه ۱۵۷ نیز آمده است. نیز ۴ / ۹۵ و مسلم، همان، ۲ / ۷۵۱).

باری، روایاتی بر حلیت صدقه بر همسران رسول خدا (ص) دلالت می‌کنند:

ابوهریره می‌گوید: رسول خدا (ص) فرمود: من به سوی اهل‌م بازگشتم، خرمایی دیدم که در خانه‌ام، افتاده بود. آن را برداشتم که بخورم، ترسیدم که صدقه باشد، پس آن را انداختم (مسلم، همان، ۲ / ۷۵۱).

با توجه به پیشینه ابوهریره در جعل روایاتی درباره اهل‌بیت بودن همسران رسول خدا (ص)، این روایت نیز نخست می‌کوشد همسران او را اهل آن حضرت بخواند (من به سوی اهل‌م بازگشتم)، اما در این کوشش ناکام مانده است؛ زیرا اشاره می‌کند شاید غذایی که همسران آن حضرت در خانه ایشان از آن استفاده می‌کردند، صدقه بوده باشد و از این رو، رسول خدا (ص) که از اهل‌بیت بودند و صدقه بر ایشان حرام بود، آن را نخوردند.

رسول خدا (ص) وارد خانه‌اش شد در حالی که دیگی سنگی از غذا روی آتش بود برای حضرتش نان و خورشتی - غیر از غذای روی آتش - آوردند. حضرت فرمود: چه شد دیگ غذا را نیاوردید؟ گفتند: آن گوشتی است که برای بریره (کنیز عایشه) صدقه آورده‌اند؛ در حالی که تو صدقه نمی‌خوری، حضرت فرمود: این گوشت برای بریره صدقه است، ولی برای ما هدیه است (مسلم، ۲ / ۱۱۴۴).

بر پایه این روایت، بریره گوشتی را که برایش صدقه آورده بودند، برای منزل رسول خدا (ص) هدیه می‌برد و همسران آن حضرت، با آن گوشت غذایی برای خود پختند، اما گمان کردند که این گوشت برای خودشان نیز صدقه است. پس صدقه بر همسران آن حضرت حلال و بر رسول خدا (ص) حرام بوده است.

### ناشایستگی برای این فضیلت

اراده‌ خداوند در آیه‌ تطهیر تکوینیه است و از این‌رو، فضیلتی بزرگ برای اهل‌بیت به شمار می‌رود؛ فضیلتی که هیچ‌ کس جز پنج تن آل‌عبا درباره‌اش شایستگی ندارند. از دید بخاری و مسلم، زنان پیامبر (ص) اهل‌بیت آن حضرتند، اما برای رد این ادعا به روایات صاحبان صحاح سته درباره‌ برخی از رذایل اخلاقی همسران آن بزرگوار اشاره می‌شود:

رسول خدا (ص) از زنانش کناره‌گیری کرد در حالی که به خاطر شدت غضبش بر آنان، می‌گفت: یک ماه بر آنان داخل نمی‌شوم. وقتی بیست و نه روز گذشت، وارد بر عایشه شد، عایشه به او گفت: تو قسم خوردی که یک ماه بر ما وارد نشوی، ولی من دقیقاً شمردم امروز روز ۲۹ است. حضرت فرمود: این ماه بیست و نه روزه بود (بخاری، ۳/ ۱۷۶).

مضمون این روایت را چهار تن از ارباب صحاح نقل کرده‌اند: همان، ۳/ ۳۵؛ مسلم، ۲/ ۷۶۴-۷۶۳؛ نسائی، ۱۹۹۵م: ۴/ ۱۳۹؛ ابن‌ماجه، ۱/ ۶۶۴).

به عایشه خبر رسید که رسول خدا (ص) مدتی نزد زینب بنت جحش (از همسران آن حضرت) ماند و در آن‌جا شربت عسل خورد. عایشه گفت: من و حفصه دست به یکی کردیم که اگر رسول خدا (ص) نزد هر کدام از ما آمد به او بگوییم: بوی مغفیر (بنابر توضیح پانوش مسلم، مغفیر گیاهی با برگ‌های پهن و ... بدبوست)، از تو به مشام می‌رسد. آیا مغفیر خورده‌ای؟ آن حضرت نزد یکی از آن دو رفت و او نیز به ایشان همان را گفت. حضرت فرمود: نزد زینب بنت جحش شربت عسل خوردم و دیگر این کار را نمی‌کنم؛ سپس این آیه نازل شد: «چرا آنچه را که خداوند برایت حلال کرده بر خود حرام می‌کنی؟» (تحریم، ۱؛ مسلم، ۲/ ۱۱۰۰).

این روایت نیز به صراحت می‌گوید عایشه و حفصه به چند گناه بزرگ آلوده شدند:

۱. حسدورزی درباره زینب بنت جحش که هوویشان بود؛
۲. توطئه درباره پیامبر (ص) و تصمیم گرفتن درباره آزار رساندن به آن حضرت؛
۳. دروغ‌گویی.

روایات درباره ناشایستگی همسران رسول خدا (ص) برای کاربرد اصطلاح اهل بیت درباره‌شان فراوان است که شماری از آنها گزارش شد.

### نتیجه

از دید بخاری، همسران رسول خدا (ص) اهل بیت آن حضرتند، اما این دیدگاه به دو دلیل پذیرفتنی نیست:

۱. به استناد روایات صحیح بخاری، صدقه بر آل محمد (ص) حرام و بر همسران آن حضرت حلال بوده است.

۲. اراده خداوند در آیه تطهیر تکوینیه است و این آیه فضیلت بزرگی برای «اهل بیت» به شمار می‌رود، اما به استناد روایات صحیح بخاری و دیگر صحاح سته، همسران پیامبر (ص) برای چنین فضیلت شایستگی نداشتند؛ پس اهل بیت نیز نبودند.

روایات مسلم در این باره کمی با یکدیگر متناقضند، اما دیدگاه او را چنین می‌توان صورت‌بندی کرد: که همه منسوبان به پیامبر (همسر و خویشاوندان)، اهل بیت آن حضرت شمرده می‌شدند. این دیدگاه نیز پذیرفتنی نیست؛ زیرا ثابت شد که همسران رسول خدا (ص) مصداق اهل بیت نیستند. خویشاوندان آن حضرت نیز به‌رغم اهل بیت بودنشان در اصطلاح عام، بنابر اصطلاح مردم آن زمان اهل بیت نبودند؛ زیرا واژه «اهل بیت» در آن روزگار درباره پنج تن آل عبا، علم شده بود. به استناد روایت زید بن ارقم رسول خدا (ص) در غدیر خم (پس از حجة الوداع) هنگام وصیت و سفارش به امت خود، لفظ اهل بیت را بدون هیچ توضیحی درباره مصداق آن به کار برد؛ پس مصداق اهل بیت نزد مردم روشن بوده است. افزون بر اینکه همه خویشاوندان آن حضرت، شایسته این همه سفارش و تأکید نبوده‌اند. برای نمونه، آل عباس نیز از خویشان آن حضرت به شمار می‌رفتند که پس از قدرت یافتنشان، همچون بنی‌امیه با آل‌علی رفتار کردند. تاریخ گواهی می‌دهد که زندان‌های بنی‌عباس از فرزندان امیرالمؤمنین (ع) پُر بود. بی‌گمان رسول خدا (ص) در آخرین روزهای حیات پربرکت خود، درباره چنین کسانی به مردم سفارش نکرد. بنابراین، اهل بیت آن حضرت کسانی‌اند که بنابر روایات مسلم (روایت پنجم و ششم ذیل دیدگاه مسلم)، رسول خدا

(ص) خود، آنان را به مردم شناساند. دیدگاه ابی داوود در این باره روشن نیست، اما او روایات مخالف را در این زمینه نیاورده است و از این رو، می توان گفت که با دیدگاه درست (حق) موافق است. دیدگاه ترمذی نیز با دیدگاه شیعه در این باره هم سوست؛ زیرا به روایات مخالف اشاره نکرده است. دیدگاه صاحبان صحاح سته درباره اهل بیت متفاوت و گاهی متضاد است، اما با استفاده از روایات موجود در همان صحاح، می توان قول حق را ثابت کرد.

### کتابنامه

- ابو حنین، مسلم بن حجاج نیشابوری (۱۹۷۲ م)، صحیح مسلم، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- ابوداوود سلیمان بن اشعث سجستانی (بی تا)، سنن ابی داوود، بیروت، دارالفکر.
- ابو عیسی محمد بن عیسی بن سوره (بی تا)، سنن ترمذی، بیروت، دارالفکر.
- ابی الفداء اسماعیل بن کثیر قرشی (۱۴۲۰ ق)، تفسیر القرءان العظیم، چاپ دوم، ریاض، دار طیبه للنشر و التوزیع.
- بخاری، محمد بن اسماعیل (بی تا)، صحیح بخاری، دار الجیل بیروت.
- طباطبایی، محمد حسین (بی تا)، ترجمه تفسیر المیزان، ترجمه محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۴ ق)، ترتیب العین، قم، مؤسسه النشر الاسلامی التابعة لجماعة المدرسین.
- معین، محمد (۱۳۶۰)، فرهنگ فارسی، چاپ چهارم، تهران، مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- نصیری، علی (۱۳۸۳)، آشنایی با علوم حدیث، قم، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم.